

اعتراض و ناراضی‌های در ایران امری مسلم برای همه مردم این جامعه است. ناراضی‌های کارگران و اقشار تهیدست از سهمی که در زندگی دارند واقعیتی مسلم است و هر روزه میتوان بروزات آن را دید. اما این یک بخش واقعیت است، طرف دیگر قضیه اعتراض و ناراضی‌های بورژوازی ایران است. صاحبان سرمایه نیز از سهمی که از ثروت جامعه میبرند، از پلین آمدن سودشان در اثر بحران حاضر ناراضی اند و هر روزه شاهد تلاش آنها برای سهم بیشتر از نعمات این جامعه هستیم. بروزات این ناراضی‌ها را در کلمه به کلمه ادبیات آنها، در لحظه به لحظه تلاش آنها و مبارزه روزانه و انصافا بی توهم و بیرحم آنها علیه طبقه کارگر میتوان دید. زبان این ناراضی‌ها بنا به سنت همیشگی بورژوازی به نام "منفعت کل جامعه"، "تجات اقتصاد جامعه"، "کمک به حفظ مشاغل و ممانعت از بیکاری" و "منفعت عمومی مردم و... است. آنها در قدرت اند و از زبان مردم به نام آنها و به نام منفعت کل جامعه حرف میزنند و طبقه حاکم را نمایندگی میکنند. در این زمینه گفته‌های عضو هیات منیره انجمن نساجی ایران که "استاد خبری بزرگداشت روز صنعت و معدن"، آن را منعکس کرده

صفحه ۲

## سیاست ما در رابطه با

### کسانی که در احزاب چپ و یا تشکلهای کارگری و توده ای خود را به خط حزب حکمتیست نزدیک میدانند

تحولات سیاسی ایران صف بندی احزاب سیاسی را به شدت پلاریزه کرده است و طبعاً نزدیکی ها و دوری های سیاسی ای را شکل داده است که در آن حزب حکمتیست به یکی از سر های این قطب بندی سیاسی تبدیل شده است. این موقعیت چه در تشکل ها، کانون ها و جمع های غیر حزبی و چه در تشکل های سیاسی - حزبی چپ سمپاتی ها و توافق هایی با مواضع حزب حکمتیست را شکل داده است. در این متن، رفتاری با حزب ما تماس میگیرند و خواستار ارتباط و تبادل

نظر میشوند. روشن است که نزدیکی هر کس به خط حزب حکمتیست برای ما مایه افتخار و دلگرمی است، از آن استقبال میکنیم و دست همه این رفقا را صمیمانه می فشاریم. اما پایه چنین ارتباطی باید کاملاً روشن و بدون ابهام باشد.

در این رابطه لازم است نکات زیر را به اطلاع اینگونه رفقا برسائیم.

۱ - حزب ما در هیچ حزب دیگری تشکیلات مخفی ایجاد نمی کند و سازمان



## کشتار قومی در

### قرقیزستان

#### سیف خدایاری

صحنه های تراژیک و فاجعه بشری ناشی از نفرت قومی هر از چند گاهی تعدادی از انسانها را در میان آتش، باروت، خون و ویرانه ها فرو می برد. عاشقان سینه چاک "ملت" تفنگ ها در دست و چاقو در مشت منتظر جرقه ای هستند که پاکسازی قومی را در هزاران صحنه تراژیک تکرار کنند. روز دهم ماه ژوئن دعوا بین گروهی از جوانان ازبک و قرقیز دریکی از کارنیوهای شهر اوش دومین شهر بزرگ قرقیزستان شروع شد، اما اپیدمی نفرت قومی به سرعت تمام شهر اوش و مناطق جنوبی قرقیزستان را در بر گرفت. در یک چشم بهم زدن ساختمان ها و محل کسب و کار ازبک ها در هم کوبیده شد و اموال متعلق به آنها با اسپری رنگ " قرقیز " به تاراج رفت. طی ده روز بیش از دو هزار نفر در کلم

## هاله طاهری

### طرح کاهش ساعت کار زنان یک

#### فرب است!

پنج سال پیش دولت احمدی نژاد طرحی به نام کاهش ساعات کار زنان بدون تغییر و کسری حقوق برای زنان کارمند و بخشهای تولیدی دیگر به مجلس پیشنهاد کرد. اما این طرح برای چند سال مسکوت گذاشته شد و دوباره امسال آنرا از سر گرفتند. در طرح اولیه اساساً صحبت بر سر پایین آوردن ساعت کار زنان از ۴۴

## کارگران جهان متحد شوید!

مخفی موازی با سازمان موجود را شکل نمی دهد.

۲ - گرچه در شرایط اختناق هویت افراد بعضاً به ناچار مخفی میماند، اما، فعالیت و هویت سیاسی امری علنی است. لذا درجه نوری و نزدیکی هر فرد و یا جمعی به حزب ما و خط ما، نه بطورمخفی، بلکه از کاتال دخالت آنان در بحث ها و سیاست های علنی آن سازمان یا حزب چپ و تلاش برای اقناع دیگران به صحت سیاست ها ما منعکس میشود.

سیاست از نظر ما، صرفاً اعلام موضع نیست، بلکه مهمتر از آن تلاش برای اقناع، تلاش برای اتحاد و تلاش برای شکل دادن و گسترش صف کسانی است که به این خط تمایل دارند. سیاست ما تغییر نیای بیرون است و درجه نزدیکی و دوری هر کس و یا جمعی

صفحه ۲

ازبک ها در "کشور" قرقیزها زندگی می کنند! و انتظار ازبک ها مبنی بر داشتن سهمی در قدرت برای قرقیزها که "روحیه سرکش چادر نشینان" را دارند گران تمام میشود. کمترین انتظار قرقیزها این است که ازبک ها باید مانند مهمان حرمت صاحب خانه را نگهدارند و چشمی به قدرت سیاسی و نظامی نداشته باشند، اما برای ازبک ها که نسل اندر نسل در این خانه زندگی کرده اند، صاحب خانه و مهمان معنی خاصی ندارد!

دولت موقت قرقیزستان مردم را به اتحاد قومی و صبوری فرا می خواند، اما این ژست ها سیاسی و دمکرات منشتهه برای ازبک ها که نقش نیروهای نظامی دولتی و عمدتاً قرقیز در آتش کشودن به جان و مال آنها را کمتر از جوانان

صفحه ۳

## تشکیلات خارج حزب حکمتیست

### گزارش حضور فعالین حزب حکمتیست در جلسه سبزها در لندن

صفحه ۳

حالیست که کسب و کار خانگی زنان که به شغل های دستی و یا حتی تخصصی از نوع ساختن قطعات بعضی از کارخانه های صنعتی که به خانه ها منتقل کرده اند سر از میلیونها کارگر میزند که در هیچ آمار و ارقام دولتی ثبت نگردیده است.

در این رابطه بحثهای متقابل از مخالفین و موافقین این طرح بالا گرفته است. در دفاع از طرح کاهش ساعت کار، کارشناسان دولتی میگویند این طرح در راستای تحکیم بنیان خانواده و رسیدگی به امورات منزل و تربیتی فرزندان است. مدرسان وقت بیشتری پیدا میکنند که به وظایف مادری برسند و همچنین همسران بهتری در خانه خواهند شد.

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## صف متحد بورژوازی...

است قابل توجه است. ایشان میگویند:

"با هدف افزایش تولید در واحدهای صنعتی، در سال همت مضاعف و کار مضاعف، ساعات کار از ۴۴ ساعت در هفته به ۴۸ ساعت افزایش یابد. اجرای طرح مذکور که روزانه تنها ۴۰ دقیقه به میزان ساعات کاری می افزاید در مجموع برای یک سال معادل ۲۶ روز کاری است و ۱۰ درصد تولید سالانه را افزایش می دهد".

وی می افزاید: "در صورتی که طرح یاد شده در کل واحدهای صنعتی کشور به اجرا در آید رقمی بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی را افزایش می دهد و علاوه بر رونق کسب و کار در کشور درآمد سرانه هر ایرانی را ۳۰۰ دلار افزایش خواهد داد".

حائری میگوید: "بر اساس محاسبات انجمن صنایع نساجی، اجرای طرح مذکور ۳/۵ تا ۴ درصد در کاهش قیمت تمام شده این صنعت موثر است. استفاده از ظرفیتهای خالی خطوط تولید، رونق کسب و کار، افزایش تولید ناخالص داخلی، کاهش هزینه ها و تحقق برنامه همت مضاعف، کار مضاعف از ویژگیهای این طرح است".

سخنان حائری بسیار گویا و روشن بیان اعتراض طبقه حاکم است که به شیوه ای رندانه و به نام افزایش ۳۰۰ دلاری درآمد سرانه "هر ایرانی"، به خورد جامعه میدهد. ایشان حکم خامنه ای را "سال همت مضاعف و کار مضاعف است" نامید را به خوبی و روشنی در بخش صنایع معنی کرده است و نتیجه آن افزایش ۴ ساعت کار در هفته برای طبقه کارگر است. راه حل آنها سازمان دادن باز هم تعرض افسار گسیخته طبقه حاکم به معیشت طبقه کارگر تحت نام چرنبدیتی چون افزایش سرانه ملی و کسب و کار بیشتر و... غیره است. اینکه این میزان افزایش ساعت کار ارزش اضافه ای به میزان ۳۰۰ دلار برای هر ایرانی را بیار می آورد قبل از بیان هر چیز دامنه وحشتناک درجه استثمار طبقه ای را نشان میدهد که نه تنها سهمی از آن ندارد بلکه دستمزد روزانه آن نیز پرداخت نخواهد شد. میزان سود حساب شده از این طرح که به روشنی سرچشمه آن افزایش ساعت کار کارگر است، حتی یک دلار آن هم نه تنها به جیب طبقه کارگر نخواهد رفت بلکه خود کارگران بخش صنعت هم از آن بی بهره و تنها نسیب آنها ۴ ساعت کار اضافه در هفته جهت تامین سود مورد محاسبه عضو هیئت مدیره نساجی

ایران است.

سود حاصله از این طرح ضدکارگری نماینده "محترم" سرمایه، که برای "هر ایرانی" ۳۰۰ دلار در سال محاسبه شده است در دنیای واقعی به قیمت فشار بیشتر، فقر و بیحقوقی مطلق بر چند میلیون کارگر و خانواده هایشان، بیخوابی و دوندگی بیشتر، محرومیت و کار بیشتر کارگران بخش صنایع است. حرص و ولع جناب حائری از پائین آمدن سود کلان سرمایه در دوره اخیر است و برای جبران آن آماده اند تا طناب مرگ را بر گردن طبقه کارگر بپنهند.

گفته های حائری را در کنار گفته خامنه ای "سال همت مضاعف و کار مضاعف" بگذارید، آن را در کنار مباحثات دولت و مجلس بر سر طرح بارانه ها قرار دهید، آن را در کنار نتایج تحقیق "کمیته ملی قیمت تمام شده" برای پایین آوردن قیمت تمام شده کالاها (یعنی زدن دستمزد کارگر)، ایجاد انعطاف پذیری در استخدام و اخراج نیروی کار" و همچنین "توسعه مشاغل پاره وقت" و همزمان "بازنگری در نحوه تعیین حداقل دستمزدها" در کنار گفته نماینده کارفرمایان که میگوید: "اگر کار بود دستمزد بدهیم و اگر نبود نباید دستمزدی پرداخت کرد" بگذارید تا دامنه نقشه شومی که علیه طبقه کارگر کشیده اند روشن شود، تا دامنه تعرض طبقه بورژوازی ایران به طبقه کارگر را دریابید.

اینها را در کنار فضای خفقتی که ایجاد کرده اند، در کنار دستگیری "سختومندان" فعالین کارگری و برخورد بخش امنیتی و پلیسی دولستان به کارگران متشکل و متحد قرار دهید تا دامنه این تعرض بورژوازی را دریابید. اینها شیور یک جنگ طبقاتی تمام عیار است که بورژوازی ایران متحد و همصدا علیه طبقه کارگر به صدا درآورده است. اینجا دیگر کسی نیست اعتراض کند، جنای نیست که ناراضی باشد، از سبز و سیاه خبری نیست، دیگر از اپوزیسیون بورژوازی که احمدمی نژاد را میمون بنامد خبری نیست، کسی نیست که بگوید تاریخ پر از "اقتدار" مملکتش گرد برداشته است. کسی نیست بگوید "ملت اش" به تازیه بسته شده و حرمت و کرامت انسانی اکثریت مردم این "آب و خاک" پایمال شده است. کل بورژوازی ایران از پوزبسیون تا اپوزبسیون بی توهم سر آن متحدند. اینجا دیگر بورژوازی حتی در سطح جهانی اعتراضی ندارد، "حقوق بشر"، پارلمان اروپا و مدافعان دمکراسی و... هیچکدام جیکشان در نمی آید.

عقب راندن طبقه کارگر به قرن ۱۹ و باز پس گرفتن جزئی ترین دستاوردها که به حکم تلاشی خستگی ناپذیر در عرض بیش از صد سال گذشته با خون و زندان و شلاق بیست آورده است، به نام منفعت "ملت و مملکت" چوب حراج میخورد. طبقه کارگر ایران نه جزو "ملت" است و نه "مملکتی" دارد و نه کسی از بابت این توحش و جنایت ککش گزیده است.

آنچه دارند روزانه به بهانه های مختلف و از زبان مقامات مختلف دولت جمهوری اسلامی علیه طبقه کارگر پیش میبرند، بخشی از تعرض همه جانبه تری است که در سطح جهانی علیه طبقه ما سازمان داده اند.

همین تعرض را در کشوری مثل انگلستان از زبان نمایندگان بورژوازی این مملکت با زدن بیمه های اجتماعی و به بهانه خالی بودن خزانه دولت پیش می برند. در کشوری مثل ایران که از بیمه های اجتماعی خبری نیست، سراسر سرخ طبقه کارگر خواهند رفت و دستمزدش را خواهند زد. میگویند بحران است و جالب اینکه در تمام دنیا بار بحران باید بر سر طبقه ما شکسته شود. در هیچ جای دنیا خبری از پایین آوردن هزینه عظیم بوروکراسی دولتی، از کم کردن سود صاحبان سرمایه برای پر کردن خزانه دولت نیست. معلوم نیست اگر بودجه کم است چرا در همین دوران بحران صاحبان سرمایه از ارقام نجومی سود خود حرف میزنند. در ایران معلوم نیست که چرا بودجه دم و دستگاه پلیس و سپاه و بوروکراسی عریض و طویل و بیت رهبری و مسجد و دم و دستگاه سرکوبشان را کم نمیکند.

طبقه کارگر در مقابل صف متحد، بی رحم و بی توهم دشمنانش راهی جز اتحاد ندارد. میتوان سر کارگر متفرق هر بلای آورد. زندانی کردن اسالو و مددی و شهبلی و بقیه فعالین کارگری، دستگیری و تهدید روزانه همه کسانی که تلاش میکنند این طبقه یا بخشهایی از آن را متحد کنند، تهدید و ارباب علیه کمیونستها، تلاش برای محدود کردن دامنه تاثیر و نفوذ آنها، پرونده سازی و اربابی که نقشه مند سازمان داده اند، همگی برای مقابله با هر نوع خودآگاهی و اتحاد در صفوف طبقه کارگر است. طبقه کارگر متفرق را میتوان به راحتی سرکوب و مرعوب کرد. در مقابل این تعرض راهی جز مقابله و ایستادن در مقابل ما نیست. این مهم تنها به شرطی ممکن است که صفوف خود را بی توهم و به همان درجه روشن علیه بورژوازی و دولت حاکم متحد و سازمان دهیم.

## سیاست ما در رابطه با ...

متناسب با این تلاش سنجیده می شود.

۳ - حزب حکمتیست تشکیل فراکسیون های علنی صاحب خط مارکسیستی در احزاب و سازمان های سیاسی دیگر، جایی که چنین کاری امکان داشته باشد، را مجاز و یک راه صمیمانه، شفاف و علنی فعالیت سیاسی میداند و خود را مجاز به ارتباط علنی با چنین فراکسیون هائی میداند.

۴ - جایگاه هر جمع یا فردی در نزدیکی به حزب حکمتیست با امکاناتی که آن فرد یا جمع از نظر ارتباط با محافل و رهبران کارگری و کمیونست های جامعه، از نظر دخالت در تحرکات سیاسی جامعه و از نظر مالی و تدارکاتی برای خط مارکسیستی ایجاد میکند سنجیده میشود. اضافه شدن هر تک فردی به این خط باید متضمن افزایش این امکانات باشد.

۵ - در ارتباط با تشکل های غیر حزبی کارگری و توده ای، حزب ما مطلقا خواستار تضعیف و تجزیه این تشکل ها نیست. بعکس، خواستار تحکیم و گسترش آن ها بر اساس سیاست و خط مارکسیستی ماست.

ما دست هر کس که هر درجه اتحاد در صف طبقه کارگر ایجاد کند را می فشاریم و خود را بنوا متعلق به این تلاش میدانیم. در نتیجه تلاش صمیمانه برای گسترش تشکل های کارگری و توده ای همراه با نقد رویکردهای نادرست و تلاش صمیمانه برای اقناع دیگران به صحت خط مارکسیستی ما، و بخصوص نشان دادن کارایی بیشتر آن در امر اتحاد و مبارزه طبقه کارگر در تجربه روزمره مبارزه این طبقه، جز پایه های فعالیت ما و هر کس که خود را به خط ما نزدیک میداند است. ما به هم ریختن اتحاد در صف طبقه کارگر در مقابل بورژوازی را نه کارگری میدانیم و نه مارکسیستی. این حکم در مورد سایر اتحاد ها و تشکل های انقلابی نیز صادق است.

۶ - حزب حکمتیست و همه مارکسیست های بیرون از این حزب را مجاز و ملزم به دخالت سیاسی در مباحثات علنی سیاسی حول خط مارکسیستی در هر جمع و حزب و تشکلی میدانیم. و تلاش خواهیم کرد که در این رابطه نقشی صمیمانه و سازنده و روشن ایفا کنیم.

هیات دبیران حزب کمیونست کارگری

- حکمتیست

۹ تیر ۱۳۸۹ - ۳۰ ژوئن ۲۰۱۰

# زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کشتار قومی در...

باغی و گنگسترهای قومی نمی بینند مفهومی ندارد. از سوی دیگر نگاهها به دخالت سازمان ملل و در رأس آن به آمریکا، روسیه و انگلیس دوخته شده است تا آتش این جنگ را با "اعجاز ناتو" و دخالت نظامی در "دمکرات ترین جمهوری شوروی سابق" خاموش کنند. مردم آواره هم در انتظار کمک های "بشر دوستانه" لحظات زندگی خود را در گرسنگی، وحشت و اضطراب می شمارند.

چند ماه پیش که شورش با ۸۴ کشته جابجا شدن قدرت میان دو جناح از طبقه حاکمه قرقیزستان را ممکن ساخت نگاههای جنبش سبز و پیش از همه ناسیونالیسم چپ ایرانی را با شیفتگی تمام به سوی خود متمرکز کرد که گویا تهران باید از بیشکک الگو بگیرد! دو ماه از "انقلاب" قرقیزستان نگذشته است که چنین فاجعه ای بر بستر آن تحولات روی داد. این اتفاق بار دیگر هم بوجی تبلیغات جریانهای مختلف سبز و هم این حقیقت را که هر انقلاب و شورشی الزاما انقلابی نیست را به ثبوت رساند.

واقعیت این است که توسل به نفرت قومی در کشورهای مختلف جهت بسیج مردم محروم و سرمته گزاری بر ناآگاهی و تعصبات کور آنها، برای به میدان آوردنشان و تبدیل مردم به نیروی این یا آن جناح بورژوازی، همیشه سیاست دولتها و جناحهای مختلف بورژوازی بوده است.

علت این فاجعه هر چه باشد این حقیقت به جای خود باقی است که سرمایه داری برای بقای خود به نفرت قومی و ناسیونالیسم نیاز دارد. یکی از بزرگترین مواهب سقوط بلوک شرق "احقاق حقوق ملیت ها" بود که در بیست سال گذشته احقاق این حق را بر ویرانه های ناگورن و قراباغ، بالکان، ازبکستان و هرجا کمترین اختلاف زبانی/قومی وجود داشته است دیده ایم. از طرف دیگر الگوی جابجا شدن قدرت بدون دخالت حداکثری طبقه کارگر و نیروهای رادیکال زمینه دامن زدن به چنین فجایعی را فراهم می کند. اگر خلا قدرت در بیشکک فرصت را برای جریانهای قومی در اقصای نقاط کشور فراهم کرده است در غیاب دخالت آگاهانه کمونیستها و آلترناتیو طبقاتی این خطر در اکثر مناطق ایران که دارای تنوع زبانی و "قومی" هستند کمتر از قرقیزستان نیست. تراژدی

## گزارش حضور فعالین حزب حکمتیست در جلسه سبزها در لندن

غروب روز شنبه ۲۶ ژوئن جلسه ای از جانب طرفداران جنبش سبز تحت عنوان "پیرامون جنبش سبز" برگزار شد. سخنرانان این جلسه مهاجرانی، یوسفی اشکوری و احمد سلامتیان بودند. ترکیبی که نماینده به اصطلاح "رنگین کمان" جنبش سبز را میکردند.

ابتدا چند جمله در مورد انجمن تازه تاسیس " انجمن دفاع از حقوق بشر"، در بیانیه این انجمن که در ابتدای جلسه قرائت شد آماری از دستگیری، زندان و اعدامهای یکسال گذشته ارائه داده شد اما از اعتراض به اعدامها و نقض حقوق بشر در دوران حکومت "اصلاحات" خبری نبود و ظاهرا این نهاد، در دفاع از حقوق از بشر، اعتراض به اعدامهای اخیر را وظیفه خود نمیداند. اولین جلسه این انجمن نو بنیاد را فردی که سابقه درخشانی در پست معاونت میرحسین موسوی درست در بوجوه اعدام هزاران زندانی سیاسی و همچنین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دوران خاتمی آقای مکلا مهاجران و یا بقول خودش آخوند فکلی، آغاز میکند که هنوز در کمال وقاحت با "ادله" از اعدامهای ترکمن صحرا، کردستان و قتل عام هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ تحت عنوان اینکه آنان مبارزه مسلحانه کردند، دفاع میکرد.

مهاجرانی در نوبت سخنرانی خود آب پاکی بر سر طرفداران پر شور و متوهم جنبش سبز "رنگین کمان" ریخت. او به صراحت به حمله به گرایشهای متفاوتی که در جنبش سبز وجود دارد، دست زد و گفت که بخشی از آنها نظریه انقلاب را دارند و این منتج از نظرات نئوکنهای امریکا و مضر به حال جنبش سبز و میرحسین موسوی است. او بر اصل جمهوری اسلامی مکی به امام راحلش تاکید کرد و در پاسخ به سوالات جمعی از سبز سرخ و یا "رنگین کمانی ها" که رهبران جنبش سبز را ندا آقا سلطان و غیره نامیدند گفت که "امام خمینی گفت که حسین فهمیده رهبر انقلاب است" این به معنای سمبلیک آن است و او ندا و کشته شدگان وقیع بعد از انتخابات را به حسین فهمیده نوجوان سیزده ساله ای که در میدان جنگ با عراق به هلاکت رسید، تبدیل کرد. در حین تعاریف مهاجرانی از خمینی، سعید آرماد با

صدای بلند پرسید از خوش خطی خمینی فاشیست بگذرید و به جنایتش و قتلهایش بپرداز، او همزمان خمینی را فاشیست و هیئتلر اواخر قرن بیستم معرفی کرد. جلسه به همه افتاد و باعث رنجش خاطر آقای فرخ نگهدار و سازماندهندگان جلسه شد. تعدادی از شرکت کنندگان با اینچنین تعاریفی از خمینی فاشیست و دخالت سعید آرماد به جوش آمدند و تلاش کردند فضای جلسه را متشنج کنند.

در نوبت صحبت شرکت کنندگان، سعید آرماد پس از معرفی خود گفت که یکسال قبل در روز انتخابات که چهار آدمکش حساب پس داده را غربال کردند و در مقابل مردم در ایران قرار دادند گفتیم که در این مضحکه شرکت نکنید. گفتیم نباید در انتخاباتی شرکت کرد که نیمی از جامعه، زنان، از حق کاندید شدن محروم است. او گفت که آقای مهاجرانی بدست اهداف جنبش سبز را بیان کرد. جنبش سبز همین است و بس. جنبش سبز راهی برای نجات جمهوری اسلامی است. باید رژیم اسلامی را ساقط کرد. مدت زمان دو دقیقه ای اظهار نظر سعید آرماد با پارازیت های سبزها و در عین حال در میان تشویق مخالفین اعدام و جنایت پایان یافت.

مجددا وزیر ارشاد دوران خاتمی و معاون میرحسین موسوی در سالهای اعدام به سخنرانی پرداخت و اینبار به سبک آخوندها به تهنیت احساسات ضد مجاهدینی که چگونه دفتر حزب جمهوری اسلامی را منفجر کردند و به کمک صدام به ایران حمله کردن شروع کرد به توجیه اعدامها. در هنگام این توجیها توهن آور سعید آرماد مجددا بپا خاست و با صدای بلند گفت جناب مهاجرانی در تاریخ جناب میرحسین موسوی بالغ بر شش هزار انسان به حکم خمینی جلاد اعدام شدند، هزاران نفر در کردستان را به خاک و خون کشیده شدند، یکبار دیگر جلسه متشنج شد، از گوشه و کنار سالن از طرفی صدای اعتراض بلند شد و از طرف دیگر در تشویق سعید آرماد کف زده شد و هلهله کردند، سعید آرماد به مهاجرانی گفت که شرافت خوب چیزی

است، طول عمر رژیم جنایتکار اسلامی را به یکسال اخیر تقلیل ندهید. رژیم اسلامی نه یکساله بلکه سی ساله است. سی سال است که ایران کهریزک و اوین است برای بالغ بر ۷۰ میلیون انسان در این کشور. سعید آرماد گفت که رژیم شما بالغ بر یکصد هزار انسان را اعدام کرده است و همه اینها را به جنگ مسلحانه متهم میکنند؟! جمهوری اسلامی باید برود. شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در سالن طنین انداخت.

در میان جمعیت اولین کسی که سوال کرد زنی بود که گفت بنام خداوند بخشنده و مهربان، اما ما نه بخشندگی را ببیم و نه مهربانی. او خطاب به مهاجرانی گفت که در آزمون اولین خواهرم را تا سینه در چال فرو کردند و سنگسار کردن شما چکار کردید؟ و در ادامه گفت وقتی اولین برادرم را به تازیانه کشیدند و حرمت و کرامتش را له کردید شما بعنوان وزیر فرهنگ و ارشاد چه گفتید؟! اما فرزندان اسلامی که بیش از سی سال آزار به انسان کشی مشغولند و بقا و تداوم حیات ننگینشان را در ادامه اینچنین اعمال درنده خویانه جستجو میکنند پروتور از آنند که با این آنها تر شوند.

و اما اینبار هم در لندن بر طرفداران حفظ نظام در پوشش سبز خوش نگذشت. اینرا سالهاست گفته ایم و میگوئیم و خواهیم گفت که توجیه کنندگان توخس اسلامی و رژیم هار اسلامی سرمایه در خارج جایی ندارند و نمیگذاریم به نظام فاشیستی اسلامیشان مقبولیت بدهند.

جمهوری اسلامی رفوم بردار نیست، باید برود و رفتنش در گرو بمیدان آمدن طبقه کارگر و انقلاب کارگری است.

تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست. تشکیلات بریتانیا

۲۷ ژوئن ۲۰۱۰

**کنگره چهارم حزب حکمتیست روزهای ۲۵ و ۲۶ سپتامبر بطور علنی برگزار میشود.**

**اطلاعات دقیق تر در مورد نحوه شرکت در این کنگره در نشریه کنگره شماره یک درج شده است.**

**برای دسترسی به نشریه کنگره به سایت حزب حکمتیست مراجعه کنید.**

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

# مرگ بر جمهوری اسلامی!

## طرح کاهش ساعت کار زنان...

آوردن ساعت کار و حتی در صورت نیاز کارفرما به حفظ شغل خود هم ندارند. تازه وضع در میان قشر زنان کارگر در کارخانه ها و کارگاهها بر مراتب بغرنجتر است. اگر زن در محیط کارمندی به یمن امکان حداقلی آگاهی پیدا کردن از حق خود میتواند یک جایی صدایش را در مقابل بی حقوقی محض و شارلاتان بازی کارفرما و مدیر بالا ببرد، کارگر زن در زیر فشار چند گانه اقتصادی، تهدید خطر اخراج و بیکار سازی، فرهنگ عقب مانده و ضد زن حاکم در جامعه و در محیط کار و... حتی مورد بی لطفی کارگران مرد در محل قرار گرفته و حمایت نخواهند شد. همه اینها بمعنی ناامنی شغلی و اخراج زنان است.

مخالفتین که بطور عموم فعالین جنبش زنان هستند از زاویه دفاع از حقوق زنان این طرح را مضر برای موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان میدانند.

میگویند بیکار سازی زنان بالا میگیرد، وظایف طاقت فرسای خانگی چند برابر و راه رشد و شکوفایی آنها را برای ارتقا و حتی کسب موقعیتهای بالاتر سد میگردند. دست کارفرمایان برای اخراج زنان و پرکردن جای آنها با مردانی که مشکلی برایشان بوجود نمیآورند باز میگذارند. دولت با این طرح بار خدمات اجتماعی را که وظیفه آنها بوده با دادن "سوسید" به کارخانه داران تماما بر دوش زنان میگذارد و به این صورت فریبکارانه مسئولیت و ساعات کار زنان را تشدید میکند. کاری که در ادامه خود باعث بیکاری زنان و بالا رفتن فشار اقتصادی به خانواده های کم درآمد میگردد و فقر و تنگدستی از این درجه هم بیکار دیگر گوی خانواده ای کارگری و کم و درآمد را میفشارد.

ساعت کار رسمی در ایران ۴۴ ساعت در هفته است. تصور کنید با چهل و دو ساعت کار و در کنار آن کار خانه و وظایف همسر داری و نگهداری از فرزندان چه انرژی برای زنان میماند تا در دعا بر سر گرفتن این دو ساعت صدقه حرف آنها پیش برود و نه کارفرما. معلوم است با بیکاری وسیعی که در جامعه موجود است، زنان شانس در حفظ حقوق خود با پایین

به قیمت تولد نظام سرمایه داری است. و به این صورت از قبل آن به کل اما مسئله این است که طرح کاهش نیروی کار چوب حراج میزند. همین ساعت کار زنان با حفظ حقوق هیچ حالا یکی از مشکلات طبقه کارگر زمانت اجرایی ندارد، هیچ قانونی ایران عدم پرداخت حقوق کارگران و وضع نشده و هیچ کارفرمایی ملزم نشده کلا حقوقهای معوقه است. همین حالا کارگر را به کار میکشند و همین حقوق نگهدارد. کسی کارفرما را مجبور ناچیز و نازل را هم پرداخت نمیکند و نمیکنند که باید زنان را استخدام کند. لذا تا کنون هیچ کارفرمایی به جرم این این طرح در حد یک تعارف باقی خواهد ماند و به مرور قربانی نیاز کارفرما به سود بیشتر و لذا ناامنی شغلی زنان قرار خواهد گرفت. تمام قوانینی که در دوره اخیر در زمینه قوانین کار وضع شده، تمام تغییراتی که در این چند سال در قانون کار ضد کارگری ایران داده شده، جملگی در خدمت کارفرمایان و باز کردن دس آنها در اخراج کارگران و پایین آوردن سطح دستمزدهای آنها بوده است.

کارفرمایان ایرانی همین امروز سرمایه هایشان را هر کجای این دنیا به شرط سود بیشتر اما با هزینه کمتر میفرستند و شکی نیست که در روزهای قحطی و گرسنگی در جامعه از روی جنازه کودکان خانواده های کارگری رد میشوند و ککشان هم نمیگردد. کدام کارفرما حاضر است زنان را استخدام کند وقتی که قشر وسیع بیکاران مرد و "کم دردرس تر" از جانب کارفرمایان صف کشیده اند که بدون هیچ شکوه ایی تمام ساعات کار برای کارفرمایان سود بیافرینند؟ وقتی که در این مملکت کسی جلوشان را برای اخراج و یا فشار کار شدید و تهدید به اخراج هر روزه زنان از کار نمیگیرد کدام سرمایه دار حاضر است از سود بی درد سر خود بگذرد؟ در چنین شرایطی معلوم است طرح فوق بدون تضمینهای قانونی و در جامعه ای که دست کارفرما در اخراج و زدن دستمزد کارگر باز است، به مرور کنار بی خصیصت خواهد شد. علاوه بر این، و با وجود فاکتورهای مورد اشاره طرح منبور به مسابقه ای میان طبقه کارگر که فی الحال صف میلیونی بیکاری که عامل جیبی برای انشقاق در صفوف آن بوده دامن میزند

## برنامه های رادیو پرتو

جمعه: یازدهم تیر ماه برابر با دوم ژوئیه

خبر اعدام قریب الوقوع تعداد بیشتری از زندانیان در ایران: گفتگو با آزاد زمانی

بورژوازی از انگلیس تا اجلاس اتاوا، حمله به کارگر با پرچم جبران کسر بودجه: گفتگو با امان کفا

وضعیت بهاییان در ایران و سرکوب جمهوری اسلامی: گفتگو با اعظم کم گویان

درباره کار خانگی زنان و راههای نجات از آن: گفتگو با ثریا شهبلی

برنامه آموزشی: بازخوانی کتاب کاپیتال، نوشته کارل مارکس. سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس - قسمت ششم

## نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com



## کمونست را بخوانید

کمونست را بدست کارگران برسانید

کمونست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

## زنده باد سوسیالیسم